



The Social Goals of Economic Education in the Quran*



Ghulam Abbas^۱

Mohammad Hussein Sa'id Razi^۲

Abstract

One of the concerns of Islamic educators is to train the students in the economic field from the perspective of the Quran. In this regard, the First step is to explain the goals of economic education in the view of the Quran. In this way, other components of economic education, such as principles and methods, should be directed. Instructors for economic education need to First set goals for economic education. The goal of this research is to collect the goals stated by God Almighty in the Quran regarding economic education and present them in a scientific framework. To be used by those involved in education and educators to try to achieve these goals. The method of writing this research is descriptive and analytical. In this way, the most used three interpretations are Namoonah, Al-Mizan and Atiab ul-Bayan interpretation. In this research, eleven goals that the Quran has stated in relation to social economics. social goals of economic education or related to insight, including identifying socio-economic laws and regulations, providing insight into the spiritual growth of the student, public welfare society, etc..Or it is related to the tendency which includes encouraging the students to serve others, the tendency of the student to develop the world in the direction of judgment day, etc. Or it is related to the action. Invitations the student to social justice, directing the student to reform the society, guide the student fostering a work culture and preventing the student from Religion sale.

Keywords: Economic Education, Social Goals, Vision Goals, Tendency Goals, Behavioral Goals, Quran.

*. Date of receiving: July ۳۰, ۲۰۲۲, Date of approval: December ۲۹, ۲۰۲۲.

^۱.PhD Candidate of Quran and Science, Educational Sciences (Orientation), Qur'an and Hadith complex, Al-Mustafa International University, Qom Iran (Corresponding Author); (ghulamabbas.kash@gmail.com).

^۲.Ph.D. Qur'an and Sciences, Educational Sciences (Orientation), Qur'an and Hadith complex, Al-Mustafa International University, Qom Iran; (h.saedrazi@yahoo.com).



اهداف اجتماعی تربیت اقتصادی در قرآن *

غلام عباس^۱ محمد حسین صاعد رازی^۲



چکیده

یکی از دغدغه‌های مریبان تربیت اسلامی، تربیت در ساحت اقتصادی است. در راستای اولین گام این است که اهداف تربیت اقتصادی از منظر قرآن تبیین گردد و بدین تربیت سایر مؤلفه‌های تربیت اقتصادی همچون اصول و روش‌ها نیز جهت‌دهی شود. مریبان نیازمندند که اول اهداف تربیت اقتصادی را تعیین کنند. هدف پژوهش این است که اهدافی که خداوند متعال در قرآن در رابطه با تربیت اقتصادی بیان کرده، جمع‌آوری شود و در چارچوب علمی ارائه شود تا مورد استفاده دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد و مریبان خود را برای رساندن به این اهداف تلاش کنند. روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی است. در این مسیر بیشترین استفاده از سه تفاسیر نمونه، المیزان و تفسیر اطیب البیان شده است. نتیجه تحقیق، دستیابی به یازده هدف اجتماعی تربیت اقتصادی از منظر قرآن است. این اهداف یا مربوط به بینش است که از جمله شناسائی قوانین و مقررات اجتماعی - اقتصادی، اعطای بینش نسبت به رشد معنوی متربی، رفاه عمومی جامعه، و شناسایی متربی به حقوق دیگران است. یا اهداف مربوط به گرایش است که از جمله ایجاد انگیزه متربی در جهت خدمت‌رسانی به دیگران، اهتمام متربی به آبادانی دنیا در راستای آخرت و طمع نداشتن به اموال دیگران و جهت‌دهی به آموزش و مهارت‌های اقتصادی است یا مربوط به رفتار متربی است که از جمله دعوت متربی به عدالت اجتماعی، جهت‌دهی متربی به اصلاح جامعه، جهت‌دهی متربی به پرورش فرهنگ کار و جلوگیری از دین‌فروشی است.

کلمات کلیدی: تربیت اقتصادی، اهداف اجتماعی، اهداف بینشی، اهداف گرایشی، اهداف رفتاری، قرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۸۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و علوم، گرایش علوم تربیتی، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم ایران؛ [نویسنده مسئول]: (از کشور پاکستان)، (ghulamabbas.kash@gmail.com).

۲. دکترای تخصصی قرآن و علوم، گرایش علوم تربیتی، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه؛ قم ایران؛ (h.saedrazi@yahoo.com).

۱. مقدمه

پایه و اساس استحکام جامعه از هر جهت، بر استحکام اقتصاد موقوف است. اگر جامعه از لحاظ اقتصادی مستحکم باشد، آثارش در همه شئون زندگی دیده می‌شوند، رشد و کمال انسان در جامعه دیده می‌شود. استحکام اقتصادی انسان هم مربوط به اجتماع است. قرآن هم اجتماع را مورد توجه قرار داد و هم اقتصاد را. مهم‌ترین هدف تربیت اقتصادی از منظر قرآن، ایجاد عدالت اجتماعی است. همه ابعاد وجودی انسان چه مادی باشند یا معنوی، علوم و فنون و هنر، اخلاق، آداب و رسوم، با اجتماع مربوط است. خداوند می‌فرماید: وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا (حجرات/ ۱۳)؛ «و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.» و واژه شعوب و قبائل بیانگر این است که انسان اجتماعی است. تربیت اقتصادی هم رابطه عمیق با اجتماع دارد. جالب این است که خداوند نسبت به کسب و توزیع و بهره‌برداری بیشتر نسبت به دیگران سخن گفته است. در جامعه ما دانش‌آموختگان نظام آموزشی کشور که وارد زندگی اجتماعی می‌شوند به نحو نظام‌اند و اجد اطلاعات مورد نیاز از مفاهیم و اصول اولیه اقتصادی نیستند. از این رو نیاز است که مربیان در تفسیر و جریانات و تحولات و وقایع اقتصادی کشور توانایی کافی از خود بروز بدهند. سه‌گونه اهداف را می‌توان در رابطه با تربیت اقتصادی شمرد. اهداف ابتدائی، میانی و اهداف غائی که شامل بیش گرایش و رفتارند. در پژوهش حاضر اهداف میانی تربیت اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲. پیشینه پژوهش

موضوع موجود علی‌رغم اهمیت زیاد، تحقیق جامعی از طرف متخصصان علوم تربیت ملاحظه نشد. قدیمی‌ترین کتابی که درباره تربیت اقتصادی نوشته شده است می‌توان قانون و شفاء ابن‌سینا (م ۴۲۸ ه.ق) را نام برد. این ره را به پنج فصل ارائه کرده است که عبارتند از: سیاست نفس، سیاست دخل و خرج، سیاست اهل خانه، سیاست فرزندان. سیاست خدمت‌گزاران. در فصل دوم بیشترین مطالب مربوط به تربیت اقتصادی گنجانده شده است، ولی بحث از اهداف تربیت اقتصادی مطرح نشده است. کتاب «تعلیم و تربیت اقتصادی» اثر عادل مغاوی و مهدی طغیانی، تا حدودی به این مبحث پرداخته است، ولی بیشتر توجه به اهداف غائی کرده و اهداف واسطی را به چهار دسته تقسیم کرده است. ۱. اهداف خدامحور، فردمحور، دیگران‌محور و طبیعت‌محور. فقط تیتورها ذکر شده است، ولی در موضوع پیشنهادی کل بحث از منظر قرآن و اهداف اجتماعی جزئی‌تر بیان شده است. همچنین در کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» که زیر نظر اثر علامه مصباح نوشته شده، حدودی به این مبحث اشاره شده است، ولی اهداف تربیت با اختصار ذکر شده و بیشتر از روایات استفاده شده و به نظر می‌رسد برخی از اهداف تربیتی مذکور در این کتاب نیاز به بازنگری دارند.

۳. مفهوم شناسی

یک. تربیت

تربیت در لغت از ریشه (ربو) یا از ریشه (ربب) است. هر دو ریشه به معنای فزونی و زیادتی است. بر



اساس مصدر بودن باب تفعيل به معنای زیاد کردن، افزودن، نمو دادن، پرورش دادن و فراهم آوردن موهبات شینی است (بهشتی، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۷ ش: ۳۱؛ ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ۱۴۰۴ ه.ق: ۲ / ۴۸۳). در اصطلاح تربیت بر انگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و کمال و به تعالی رساندنش است. و تربیت در رشد و پرورش کمی و جسمانی محصور نیست (بهشتی، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۷ ش: ۳۵؛ گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، ۱۳۹۱: ۲۵).

دو. اقتصاد

اقتصاد در لغت از ریشه «الْقَصْدُ» به معنای راه مستقیم، راه معتدل و اراده و قصد در شی به معنای افراط نکردن و بین اسراف و تنگی قرار گرفتن است. قصد در معشیت نه اسراف کردن و نه تنگی گرفتن است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ه.ق: ۳ / ۳۵۳). اقتصاد در اصطلاح از نظر الخالدی، «اقتصاد اسلامی به نظامی گفته می‌شود که توزیع ثروت و درآمد را میان همه افراد جامعه سامان می‌دهد و امکان کسب درآمد و بهره‌مندی از آن را فراهم می‌سازد (حاجی، مکتب اقتصادی اسلام، ۱۳۹۰: ۳۲).

سه. تربیت اقتصادی

یکی از تعاریف معتبر از «تربیت اقتصادی» عبارت است از «ایجاد آمادگی‌های لازم در مرتبی، به نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی، از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید و توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ۱۳۹۱: ۱۶).

به نظرم تربیت اقتصادی یعنی «فرایند بین مرتبی و مرتبی برای شکوفا کردن استعداد مرتبی در راستای کسب و توزیع و بهره‌برداری درست از دارای‌ها برای رسیدن به قرب الهی است.»

چهار. هدف

هدف در لغت به معنای هر چیز مرتفع مانند ساختمان، تپه و کوه است. تقریباً به معنای غرض است. نشانه تیراندازی را هم هدف می‌گویند، چون در ارتفاع قرار داده شده است (ابن منظور، لسان العرب، ۷۱۱ ه.ق: ۹ / ۳۴۵؛ جوهری، الصحاح، ۱۴۱۰ ه.ق: ۴ / ۴۴۲). هدف در اصطلاح تعلیم و تربیت آن نتیجه‌ای است که با انجام دادن رفتارهای مشخص و برنامه‌ریزی شده حصول آن از دیدگاه صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان و نه لزوماً از دیدگاه خود متعلمان و مرتبیان منظور است که به‌عنوان امر تعلیمی و تربیتی یا دسته‌ای از آنها برای دستیابی به آن صورت گیرد. چیزی است که شایسته است مطلوب انسان قرار بگیرد (جمعی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۱ ش: ۲۱۴).

انواع اهداف

۱. هدف غائی

آخرین مطلوب و مقصودی است که شایسته است که انسان به دنبال آن باشد. هدف غائی نامیده می شود. هدف غائی تربیت انسان آنچنان که علامه مصباح گفته است، هدف نهائی تعلیم و تربیت قرب و رضوان الهی است. همه شئون را شامل است (گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، ۱۳۹۱ ش: ۲۱۲-۲۱۵).

۲. اهداف میانی

اهداف میانی اهدافی هستند که خود هدف اصلی نیستند؛ بلکه ابزار برای رسیدن به هدفی بالاترند.

پنج. جامعه

واژه جامعه در لغت، اسم فاعل مؤنث از مصدر جمع به معنای گردآورنده، فراهم آورنده یا فراهم کننده است و از جهت لغت فرقی بین متعلق آن نیست. هر عاملی که اشخاص یا اشیاء یا اجزائی را گرد هم آورد و جمع کند بر آن مجموعه به دست آمده جامعه اطلاق می شود (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۶ ه. ق: ۴ / ۳۱۳). جامعه در اصطلاح به مجموعه ای از افراد انسانی اطلاق می شود که بر اساس دین، فرهنگ، آداب، سنن و دیگر عوامل، گرد هم آمده و به صورت مشترک و جمعی زندگی می کنند (جوهری، الصحاح، ۱۴۱۰ ش: ۳ / ۱۱۹۹؛ مرادخانی، سنت های اجتماعی الهی، ۱۳۸۶ ه. ش: ۳۲). مراد ما از اجتماع، مجموعه افراد جامعه که در کنار یکدیگر زندگی می کنند و افراد غیر از خودش را اجتماع اطلاق می شود، خانواده خودش هم شامل اجتماع است و معنای عام دارد.

۴. اهداف میانی اجتماعی تربیت اقتصادی

اهداف میانی اجتماعی تربیت اقتصادی به سه دسته تقسیم می شوند.

یک. اهداف اجتماعی تربیت اقتصادی بینشی

مقصود از ساحت های بینشی، حوزه های از تعلیم و تربیت است که با بینش انسان سروکار دارد. عموماً هدف تعلیم و تربیت در این ساحت ها، آموزش یا تقویت بینش های مخاطبان است (گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، ۱۳۹۱: ۳۳۱). با تربیت اقتصادی از لحاظ بینشی منفعت های که به اجتماع می رسد به آن منفعت ها، اهداف اجتماعی تربیت اقتصادی گفته می شود. با الفاظ دیگر آن اهدافی که شایسته و مطلوب است که جامعه به آنها برسد.

دو. اهداف اجتماعی تربیت اقتصادی گرایشی

مراد از گرایش ها، میل ها و رجحاناتی است که با عواطف و احساسات و غرائز و انفعالات تربیتی سروکار دارند. احساسات به انسان اختصاص دارند، عواطف، غرائز و انفعالات در انسان و حیوان مشترک اند. در تربیت اقتصادی معنای گرایش عام است، چه گرایش ها مثبت باشند یا منفی یا با حیوانات مشترک باشند یا خیر؟ (همان: ۳۳۱). مراد از اهداف اجتماعی گرایشی، عواطف و احساسات و غرائز و انفعالات جامعه طوری باشند



که مطلوب و شایسته است و جامعه به آن گرایش‌ها برسد.

سه. اهداف اجتماعی تربیت اقتصادی رفتاری

مراد از «رفتاری» همه اعمالی است که با اختیار انسان سر می‌زند، اعم از آنکه این رفتارها درونی (جوانحی) باشند یا بیرونی (جوارحی) و با به‌کارگیری اعضا و جوارح (همان: ۳۳۳). اهداف اجتماعی، اهدافی است که شایسته و مطلوب است که جامعه در عمل به آن رفتارها برسد.

الف. اهداف اجتماعی بینشی

اهداف اجتماعی بینشی تربیت اقتصادی که در قرآن بیان شده از جمله این‌هاست.

یک. شناسایی قوانین و مقررات اجتماعی اقتصادی

در تربیت اقتصادی باید قوانین اساسی و مقررات را به‌عنوان گفتمان حاکم بر برنامه بنیادی تربیت، چارچوبی منسجم از وفاق و تکیه بر مشترکات را در حل تعارضات مذهبی، نژادی، قومی، جنسیتی و طبقاتی ارائه نماید. طبق دستور خداوند انسان می‌تواند هر نوع فعالیت اقتصادی داشته باشد: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره/ ۲۷۵): «تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (نساء/ ۲۹)؛ ولی انسان در محدوده خاص مقید است که فعالیت اقتصادی در موارد خاص نداشته باشد؛ مثلاً نمی‌تواند معامله ربانی کند. «يُمَحِّقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» (بقره/ ۲۷۶)؛ «خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد!» نمی‌تواند رشوه بگیرد یا بدهد. «وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ» (بقره/ ۱۸۸)؛ «و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به‌عنوان رشوه) به قضات ندهید، درحالی‌که می‌دانید این کار، گناه است.» یا از راه نامشروع نمی‌تواند بخورد: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْباطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء/ ۲۹)؛ «اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.» و غیره. حتی انسان نمی‌تواند در دستورات الهی تغییر ایجاد کند (ر.ک: داستان اصحاب سبت (بقره/ ۶۵)؛ اعراف/ ۱۶۳؛ در طیب، اطیب البیان، ۱۳۷۸ ش: ۲ / ۵۲؛ قرآنی، تفسیر نور، ۱۳۸۳ ش: ۲ / ۲۷۵).

مربی متربی را از قوانین شرعی آگاه کند تا متربی در محدوده قوانین شرعی فعالیت اقتصادی داشته باشد و برای حل تعارضات مذهبی و طبقاتی اقتصادی در جامعه، مانع قوانین و مقررات نباشد. در کسب و توزیع و بهره‌گیری از نعمت‌های الهی دستورات الهی را مخالفت نکند.

دو. اعطای بینش نسبت به رشد معنوی متربی

خداوند احکام اقتصادی را طوری طراحی کرد که انسان از لحاظ معنوی رشد کند. حکم انفاق را طوری ترسیم کرد که در آن رشد معنوی نهفته است. مثلاً کنار حکم انفاق جهت ایمان به خدا و آخرت داد. علاوه بر این انفاق با ریاکاری باعث بردن ایمان از خدا و آخرت دانسته است. «وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ» (نساء/ ۳۸)؛ «و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم

اتفاق می‌کنند، و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند.» عامل ریا، ایمان نداشتن واقعی به خدا و قیامت است که در آیه ذکر شده است «رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ». هدف از اتفاق، تنها سیر کردن گرسنگان نیست، چون این هدف با ریاکاری هم تأمین می‌شود؛ بلکه هدف، رشد معنوی اتفاق‌کننده نیز است (قرائتی، نور، ۱۳۸۳ ش: ۲/ ۲۹۱). در آیه کریمه ریا مذمت شده و عمل با خلوص خواسته شده است، عمل با خلوص خواستن، یعنی رشد معنوی. پس طبق آیه هدف اتفاق، بالا بردن معنویات نسبت به ایمان به خدا و قیامت است. در آیه دیگر خداوند در مورد اتفاق می‌فرماید: «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (توبه / ۵۳) «بگو! «اتفاق کنید، خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود؛ چراکه شما قوم فاسقی بودید!» سؤال این است که چرا عمل اتفاق قبول نیست؟ جواب واضح است که همراه با اتفاق تنزل معنوی یعنی فسق داشته و هدف تربیت اقتصادی رشد معنوی بود نه سیر کردن شکم گرسنگان. با اینکه آن اهداف ظاهری حاصل شده است؛ یعنی سائل چیزی گرفته یا گرسنه سیر شده است.

مرتب در تربیت اقتصادی توجه کامل نسبت به معنویات مرتبی داشته باشد و برای رشد معنویات مرتبی، مرتبی را به طرف خدا و آخرت بکشد؛ مثلاً مرتبی را وقتی اتفاق یاد می‌دهد در کنار اتفاق یاد بدهد که ریاکاری نباشد، با فسق و فجور نباشد و غیره. خلاصه اینکه هدف مرتبی، رشد معنوی مرتبی باشد.

سه. رفاه عمومی جامعه

در نگرش قرآنی، بهره‌وری از نعمت‌های الهی و داشتن رفاه مادی منفور تلقی نشده است؛ بلکه قرآن رفاه خود، خانواده و اجتماع انسانی را سامان داده است. در برخی آیات انسان نسبت به نعمت‌های الهی تشویق شده است. خداوند این جهان را برای انسان‌ها خلق کرده است و انسان‌ها را برای آخرت خلق کرده است. خداوند می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف / ۳۲)؛ «بگو: «چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است.» خداوند کسانی که زینت‌های دنیوی را منع می‌کند مذمت کرد که چه کسی زینت‌های خدا را منع کرده است؟ و یادآور می‌شود که زینتی که خدا حلال کرده از ش استفاده شود. قراردادن نعمت‌های فراوان در اختیار انسان و یاد دادن نحوه بهره‌گیری از نعمت‌های الهی به این معناست که انسان از این نعمت‌ها استفاده کند. خداوند می‌فرماید: «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ» (نحل / ۵-۸)؛ و چهارپایان را آفرید درحالی‌که در آنها، برای شما وسیله پوشش و منافع دیگری است و از گوشت آنها می‌خورید! و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان باز می‌گردانید و هنگامی که (صباحگاهان) به صحرا می‌فرستید.» این آیه از میان این نعمت‌ها به سه قسمت اشاره کرده نخست به «دفع» که به معنای هرگونه پوشش است، (با استفاده از پشم و پوست آنها) مانند لباس و کفش و خیمه، و دیگر (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۱۱ / ۱۵۹). در اینجا به معنای منافی است که انسان از حیوانات می‌برد (نجفی، تفسیر آسان، ۱۳۹۸ ش: ۹ / ۱۲۱). «منافع» منفعت دیگر، و سوم گوشت که با جمله «و مِنْهَا تَأْكُلُونَ» بیان شده است، قبل از هر چیز به پوشش و مسکن بر اهمیت پوشش و مسکن و مقدم بودن آن بر هر چیز دیگر است. و واژه



«منها تاكلون» اشاره به این است که حیوانات غیر از خوردن فوائد دیگر هم دارند. تنها به منافع معمولی و عادی این چهار پایان سودمند اکتفا نمی‌کند؛ بلکه در آیه بعد تکیه کرده می‌گوید: «تعبیر به «جمال» کرده است. در واقع جمال، استغنا و خودکفایی جامعه است، تولید و تأمین فرآورده‌های موردنیاز یک ملت است، و به تعبیر گویاتر استقلال اقتصادی و ترک هر گونه وابستگی است! (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۱۱ / ۱۵۹).

از آیات قرآنی استفاده می‌شود که استفاده نکردن از نعمت‌های دنیوی مذمت شده است. خداوند در برخی آیات تشویق به نعمت‌های دنیوی کرد تا مردم از این نعمت‌ها بهره ببرند وگرنه اگر انسان حق بهره‌ورزی از نعمت‌های الهی نداشت، تشکر کردن در مقابل نعمت‌ها معنا نداشت. آنچه مذموم است دل بستگی به این دنیا در مقابل آخرت و دوری جستن از خدا است، نه بهره‌گیری از دنیا. بنابراین یکی از اهداف تربیت اقتصادی این است که مربی، مربی را آماده کند تا مربی ثمره مستقیمی در بهبود زندگی روزمره جامعه داشته باشد.

چهار. شناسایی مربی به حقوق دیگران در حوزه اقتصادی

از منظر قرآن هرگونه ضعف و سستی در ادای حقوق دیگران منجر به افول اقتصاد جامعه می‌شود. بدون ادای حقوق دیگران پایداری و استحکام جامعه در معرض خطر قرار می‌گیرد. لذا مربی در گام اولین مربی را از حقوق دیگران آشنا کند. در جامعه افرادی از جمله سائلان و محرومان حق دارند، باید حق آنها ادا شود. طبق مبنای قرآنی رازق و مالک همه دارای‌ها خداوند است، لذا اموال و دارای‌ها طبق دستور خدا مصرف شود. خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ، لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (المعارج/ ۲۵-۲۴؛ ذاریات/ ۱۹)؛ «و آنها که در اموالشان حق معلومی است. برای تقاضاکننده و محروم.» در تفسیر برای حق معلوم بیان شده است: ۱. منظور از «حق معلوم» در اینجا همان «زکات» است که مقدار معینی دارد؛ ۲. مراد از «حق معلوم» چیزی غیر از زکات است که انسان بر خود لازم می‌شمرد که به نیازمندان بدهد. با قرینه اینکه این سوره مکی است و حکم زکات در مکه نازل نشده بود، یا اگر نازل شده بود مقدار معین نداشت، مراد از حق معلوم، حکم عام است. تفاوت میان «سائل» و «محروم» این است که «سائل» کسی است که حاجت خود را می‌گوید و تقاضا می‌کند و «محروم» کسی است که شرم و حیا مانع تقاضای او است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «محروم کسی است که زحمت در کسب و کار می‌کشد، ولی زندگی او پیچیده شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۲۵ / ۳۴؛ خانی و ریاضی، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العباد، ۱۳۷۲ ش: ۱۴ / ۳۰۶). طبق آیه دیگر که دیگران از قبیل والدین اقربا و ایتم، بر گردن مربی حق دارند، لذا مربی باید حقوق دیگران اعم از واجب و مستحب را بشناسد. خداوند می‌فرماید: «قُلْ مَا أَتَّفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (بقره/ ۲۱۵)؛ «از تو سؤال می‌کنند چه چیز اتفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که اتفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد.»

در جامعه دیگران در حوزه اقتصاد حقوقی اعم از واجب و مستحب دارند که مربی به مربی، آنها را

شناساند تا مرتبی از این نوع معاملات تجارت، عاریه، فسخ معاملات حقوق دیگران را رعایت کند.

ب. اهداف اجتماعی تربیت اقتصادی گرایشی

اهداف گرایشی که برای مرتبی از منظر قرآن نسبت به اجتماع تعیین شده است، از جمله این ها است.

یک. ایجاد انگیزه مرتبی در جهت خدمت رسانی به دیگران

از منظر قرآن نمایندگان الهی خدمت گذارترین و دلسوزترین انسان ها نسبت به جامعه بودند و برای برآورده کردن نیازهای ضعفا و مستحقان، مشکلات طاقت فرسا را به جان می خریدند. راه ایجاد انگیزه، تشویق کار خیر اتفاق است. خداوند می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران ۹۲)؛ «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) اتفاق کنید و آنچه اتفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است.» «بر» در اصل به معنای وسعت است، لذا صحراهای وسیع را «بر» می گویند، به همین جهت به کارهای نیک که نتیجه آن گسترده است و به دیگران می رسد «بر» گفته می شود. و کلمه «البر» به خیر و برکت گسترده و زمینی که برای کشت و زراعت و یا سکونت مهیاست، گفته می شود. به اشتقاق لغوی «بر» که به معنای توسعه در خیر است (قراقرتی، تفسیر نور، ۲: ۱۳۸۳ / ۱۱۰). تفاوت میان «بر» و «خیر» از نظر لغت عرب این است که «بر» نیکوکاری توأم با توجه و از روی قصد و اختیار است، ولی «خیر» به هر نوع نیکی که به دیگری بشود اگر چه بدون توجه باشد، اطلاق می شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۳ / ۳؛ میرزا خسروانی، تفسیر خسروی، ۱۳۹۰ ق: ۲ / ۳۷). طبق آیه فوق هدف، خود اتفاق نیست؛ بلکه رسیدن به بر است. خداوند بر این هدف تأکید کرد که با یکدیگر همکاری کنید در امور خیر. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ» (مائده/۲). این هدف چطور حاصل می شود یکی از راهی رسیدن به (بر) اتفاق در راه خدا با چیزی که انسان با آن محبت و علاقه دارد است. پس طبق آیه هدف مؤمن رسیدن به خیر (بر) است. این با اتفاق حاصل می شود و اتفاق با چیزهای که انسان آن را دوست بدارد. چون هدف خدمت رسانی است. لذا این هدف با چیزهای پست حاصل نمی شود. خداوند می فرماید: «وَلَا تَيْمَمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ» (بقره ۲۶۷)؛ «چیزهای پست را اتفاق نکنید، چون از این اتفاق به جامعه چیزی نمی رسد.» و چیزهای پست را که خودتان جز با چشم پوشی نمی پذیرید، برای اتفاق منظور نکنید.» پس مرتبی به مرتبی نسبت به خدمت رسانی به دیگران تشویق کند و مرتبی برای برآورده کردن نیازهایشان ملول و خسته نشود و تشریک مساعی در رفع حاجات مردم را موهبی الهی بداند.

دو. اهتمام مرتبی به آبادانی دنیا

دین به ما برنامه آبادانی دنیا می دهد. یکی از اهداف تربیت اقتصادی قرآنی همین است که مردم برای آبادانی دنیا تلاش کنند. آخرت آینه و انعکاس و ثمره دنیا است. «وَإِلَى تُمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً... وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود/ ۶۱)؛ «و به سوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما وا گذاشت.» واژه «استعمار» و «اعمار» در لغت عرب در اصل به معنای تفویض آبادی زمین به کسی است و طبیعی است که



لازمه آن این است که وسائل لازم را در اختیار او بگذارد، پس از اشاره به نعمت آفرینش، نعمت‌های دیگری را که در زمین قرار داده به این انسان‌های سرکش یادآوری می‌کند: «(او کسی است که عمران و آبادی زمین را به شما سپرد و قدرت و وسائل آن را در اختیارتان قرار داد.)» (وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا). وسائل از هر نظر آماده است؛ اما شما باید با کار و کوشش زمین را آباد سازید و منابع آن را به‌دست آورید و بدون کار و کوشش سهمی ندارید. در ضمن این حقیقت نیز از آن استفاده می‌شود که برای عمران و آبادی باید به یک ملت مجال داد و کارهای آنها را به‌دست آنان سپرد، و وسائل و ابزار لازم را در اختیارشان گذارد (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۹ / ۱۵۱). استعمار، از ماده عمر و چون به باب استفعال رفته است معنای طلب در آن نهفته است. معنای آیه این می‌شود که خداوند از شما طلب می‌کند آبادانی دنیا را و آبادانی دنیا موقوف بر پیشرفت اقتصادی است. لذا یکی از اهداف تربیت اقتصادی آبادانی دنیا است و نزد خدا مطلوب است.

سه. طمع نداشتن به اموال دیگران

یکی از اهداف تربیت اقتصادی بریدن متری از طمع‌ورزی، حرص‌ورزی و نگاه داشتن به اموال دیگران است. خداوند می‌فرماید: «لَا تَمْنُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء/ ۳۲)؛ «برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید!» در آیه کلمه (تمنی) که فعل نهی (لا تمنوا) از آن گرفته شده، به معنای این است که انسان وقتی چیزی را دوست دارد و به‌دست آوردن آنرا دشوار می‌بیند آرزو می‌کند ای کاش فلان شیء می‌داشتم (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴ ش: ۴ / ۵۳۳). کلمه «اکتساب» که به معنای به‌دست آوردن است، هم کوشش‌های اختیاری را شامل می‌شود و هم آنچه را که انسان به‌وسیله ساختمان طبیعی خود می‌تواند به دست بیاورد (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۳ / ۳۶۴). در این آیه خداوند تربیت اقتصادی می‌کند و می‌گوید که توجه به معنویات خود داشته باش، به فضل دیگران با حسرت نگاه نکن، آنچه خداوند به تو داده بر آن راضی باش. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا» (طه/ ۱۳۱)؛ «و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، مینگاز!» «مد عین» به معنای طولانی کردن نگاه است، و در این آیه تعبیر مجاز عقلی، کنایه از شدت علاقه و محبت به آن است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴ ش: ۴۱ / ۳۳۳) مراد از آیه این است که هرکس را خدا رزق و روزی داده، کسی را زیاد و کسی را کم. انسان هر مقداری دارد بر او قانع باشد، چشمی به اموال دیگران نداشته باشد. عقیده داشته باشد که چون رزق دست خداوند است، هر چقدر خدا به او داده بهتر است و انسان بر مصلحت خداوندی راضی باشد.

چهار. جهت‌دهی به آموزش مهارت‌های اقتصادی

جهان امروزه دریافته است که راه آماده‌سازی افراد برای زندگی فکری، اجتماعی، شهروندی و حرفه‌ای ارائه هسته‌ای از آموزش مهارت‌های بنیادین است. تعلیم و تربیت آشکار و ضمنی در اقتصاد سرمایه‌گذاری ملی است و هر جامعه‌ای که برای تربیت اقتصادی کنجکاوی بیشتری کند، قطعاً از ثمرات آینده برخوردار خواهد بود. خداوند می‌فرماید: «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَ كَلَّاۤءً اَتَيْنَا حُكْمًا وَّ عَلَمًا» (انبیاء/ ۷۹)؛ «(ما (حکم واقعی) آن را به

سلیمان فهمانیدیم؛ و به هریک از آنان (شایستگی) داوری و علم فراوانی دادیم و کوه‌ها و پرندگان را با داوود مسخر ساختیم که (همراه او) تسبیح (خدا) می‌گفتند! در این آیه قرآن صریحاً بیان شد که خداوند به حضرت سلیمان (ع) علم داده و سلیمان (ع) به وسیله علم جهان را تسخیر خود کرده بود. در آیه دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَهُ لَبُوسٍ» (انبیاء / ۸۰)؛ «و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند.» ساختن زره نیازمند به علم بود، خدا این علم را به حضرت سلیمان (ع) داده. ذکر کردن علم در این دو آیه موضوعیت دارد و آن این که مردم برای تسخیر جهان بدنبال علم باشند. عقل انسان این مطلب را تأیید می‌کند که تسخیر جهان نیازمند به علم دارد. پس مربی به مربی به مهارت‌های اقتصادی گرایش بدهد تا مربی به دنبال کشف مهارت‌های اقتصادی باشد.

ج. اهداف اجتماعی اقتصادی رفتاری

اهداف اجتماعی تربیت اقتصادی که قرآن بیان کرده است. از جمله این‌ها است.

یک. دعوت مربی به عدالت اجتماعی

مهم‌ترین هدف تربیت اقتصادی، فعلیت بخشیدن عدالت اجتماعی است که آثارش در همه شئون زندگی دیده می‌شوند. مراد از عدل این است که حق به صاحب حق برسد و حق کسی تلف نشود (طیب، اطیب البیان، ۱۳۷۸ ش: ۴ / ۳۱۴). منظور ما از عدالت اجتماعی دو مطلب است: ۱. طبقات ضعیف بالا بیایند و در جامعه فرق بین فقیر و غنی به اعتدال برسد؛ ۲. حق هرکس به صاحب حق برسد و حق کسی پایمال و ضایع نشود. مهم‌ترین هدف تربیت اقتصادی، رساندن جامعه به عدالت اجتماعی است. خداوند در مورد قیام عدالت اجتماعی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء / ۱۳۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید!» کلمه «قسط» به معنای عدل است و قیام به قسط به معنای عمل به قسط و تحفظ بر آن است، پس مراد از «قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»، «قائمین به قسط است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴ ش: ۵ / ۱۷۶) باید توجه داشت که قَوَّامین جمع قوام «صیغه مبالغه» به معنای «بسیار قیام کننده» است؛ یعنی باید در هر حال و در هر کار و در هر عصر و زمان قیام به عدالت کنید که این عمل خلق و خوی شما شود، و انحراف از آن برخلاف طبع و روح شما گردد. باید آنچنان عدالت را اجرا کنید که کمترین انحرافی به هیچ طرف پیدا نکند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۴ / ۱۶۲)

در رابطه با حق هرکس به صاحب حق برسد، و حق کسی کاسته نشود. خداوند می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطففین / ۱-۳) «وای بر کم‌فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند!» «مطف» به معنای کم‌فروش است (طیب، اطیب البیان، ۱۳۷۸ ش: ۱۴ / ۳۳) در تفسیر نمونه در ذیل این آیه بیان شده است: بعید نیست با استفاده از الغای خصوصیت «کم‌فروشی» کم‌گذاشتن در خدمات را نیز فراگیرد، فی‌المثل کارگر و کارمندی چیزی از وقت خود بدزد یا هرگونه تجاوز از حدود الهی و کم و کسر گذاشتن در روابط اجتماعی و اخلاقی در ردیف «مطففین» و



کم‌فروشان است (بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، ۱۳۸۲: ۵/ ۴۳۶).

در مورد اینکه طبقات ضعیف بالا بیایند می‌شود از این آیه استفاده کرد، خداوند در آیه ۷ سوره حشر در خصوص تقسیم فیء (غنایمی که بدون جنگ در اختیار لشکر اسلام قرار گرفته است) به این نکته اشاره کرده است: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى ... وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولُهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» «آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد.» در این آیه هدف گرفتن اموال فی ذکر شد که اموال فقط دست‌به‌دست ثروتمندان نباشند؛ یعنی به دست نیازمندان هم برسند. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/ ۳۴)؛ «و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده.» «یکنزون از ماده «کنز» بر وزن و به معنای «گنج» است که در اصل به معنای جمع و جور کردن اجزاء چیزی گفته می‌شود. مفهوم آن جمع‌آوری و نگاهداری و گاهی پنهان کردن نیز افتاده است. «ذهب» به معنای طلا و «فضه به معنای نقره است. آنها که پول را به صورت گنجینه پنهان می‌کنند، نه تنها موجب رکود اقتصادی و زیان به منافع جامعه می‌شوند؛ بلکه عمل آنها درست بر ضد فلسفه پیدایش پول است. آیه فوق صریحاً ثروت‌اندوزی و گنجینه‌سازی اموال را تحریم کرده است (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۷/ ۳۹۳).

مرّبی به متریبی یاد بدهد که متریبی جامعه را به عدالت اجتماعی برساند، در جامعه تفاوت طبقاتی وجود نداشته باشد و حق هرکس به صاحب حق برگردد؛ یعنی حق کسی کاسته نشود.

دو. جهت‌دهی متریبی به اصلاح جامعه

اصلاح از ماده (صلح) به معنای بهبودی، بخشیدن، تعمیر کردن، آشتی‌دادن، نیکوئی کردن، آراستن و سامان دادن آمده است و ضد آن فساد است (ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ه:ق: ۲/ ۵۱۷). قرآن همراه با تربیت اقتصادی به اصلاح جامعه نگریسته است. وقتی حضرت شعیب (ع) به قوم خویش نسبت به موزون و مکیال توصیه می‌کردند، توجه به اصلاح جامعه داشتند: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ ... وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَقْبَحْتُ» (هود/ ۸۸)؛ «ای قوم من ... اگر شما را نهی می‌کنم، برای آن نیست که خود سودی ببرم. تا آنجا که بتوانم قصدی جز به صلاح آوردنتان ندارم.» در آیه مذکور هدف حضرت شعیب (ع) از تربیت اقتصادی مردم اصلاح جامعه بود.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه ۳۴ توبه می‌فرماید: «مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می‌دارد، امور اقتصادی جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده است و ما اگر انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنیم و به جستجوی علت آن بپردازیم، خواهیم دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است؛ یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم‌کشی، گران‌فروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می‌کند و یا ثروت

بی حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی دارد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴ ش: ۹ / ۳۳۱).

هدف تربیت اقتصادی این است که جامعه از چند جهت اصلاح شود که از جمله این ها است.

اول. دوری از گناه

هرگونه تخریب و ویرانگری، افراط و تفریط در مسائل اجتماعی و فردی، برهم زدن اعتدال به خاطر فسق و فجور است. از این رو هدف مربی رساندن مرتبی به مقامی است که مرتبی از گناه دوری کند. خداوند می فرماید: «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكُمْ إِنْكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (توبه/ ۵۳)؛ «بگو:» انفاق کنید؛ خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی شود؛ چراکه شما قوم فاسقی بودید!» در آیه دیگر بیان شده است: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده/ ۲۷)؛ «عمل نیک را تنها از پرهیزکاران می پذیرد.» انفاق کردن خودش هدف نیست حتی اگر به اجبار باشد یا با میل به دیگری این هدف حاصل می شود، ولی هدفی که خداوند بیان می کند که این انفاق در صورتی قابل قبول است که انسان فسق فجور نکند و تقوا داشته باشد؛ یعنی هدف تربیت اقتصادی دوری از گناه است.

دوم. رعایت شدن حلال و حرام خدا در جامعه

تغذیه حلال بر روح و بدن انسان تأثیر مثبت می گذارد و در مقابل آن حرام بر روح و روان و بدن انسان تأثیر منفی می گذارد، لذا مورد توجه قرآن قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (بقره/ ۱۲۸)؛ «ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید.» در مورد حلال و حرام مرتبی به چند نکات توجه داشته باید. و در عمل آنها را رعایت کند.

۱. حلال کردن و حرام کردن کار خدا است (یونس/ ۵۹)؛

۲. انسان حق ندارد آنچه را خدا حرام کرده، از روی عقل قضاوت کند که چون برای او منفعت دارد، لذا جائز است؛ مانند ربا (بقره/ ۲۷۵)؛

۳. انسان حق ندارد آنچه خداوند حلال کرده است آنرا بر خود حرام کند (مائده/ ۷۸)؛

۴. همه چیز حلال است جزء آنچه خدا حرام کرده است (بقره/ ۱۷۳).

سوم. رسیدگی به ضعفا و مستحقان

شناختن نسبت به برآورده کردن نیازهای مستحقین یکی از اهداف تربیت اقتصادی است. فقرا و نیازمندان حقی دارند و باید به آنها رسیدگی شود. خدا می فرماید: «(انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندان باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته اند، نمی توانند مسافرتی کنند و از شدت خویشتن داری، افراد ناآگاه آنها را بی نیاز می پندارند؛ اما آنها را از چهره هایشان می شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند.» (بقره/ ۲۷۳)؛ برای توضیح بیشتر ر. ک طیب، اطیب البیان، ۱۳۷۸ ش: ۱۳ / ۱۹۲).

علاوه از این ها به نزدیکان و مساکین و درماندگان و بردگان هم رسیدگی می شود. خداوند می فرماید: «ولكن البر ... وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ»



(بقره/۱۷۷): «بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا ... ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند.» و «بر» (بر وزن نر) جنبه وصفی دارد و به معنای شخص نیکوکار است، اینکه در اینجا شش گروه از نیازمندان ذکر شده‌اند: (ر.ک مکارم مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش، ۱: ۵۹۹).

پس طبق آیه مذکور و در آیات دیگر، مربی، مربی را جهت بدهد که زندگی مربی در جامعه برای حمایت و رفع نیازهای مستضعفان موج بزند.

چهارم. اعتدال در زندگی

پیشه گرفتن اعتدال در زندگی اجتماعی اقتصادی یکی از اهداف تربیت اقتصادی قرآن است. به این معنا که مربی نه اسراف کند و نه سخت‌گیری؛ بلکه راه میانه‌ای را انتخاب کند. به این معنا که در زندگی اجتماعی به ساده زیستی، قناعت و غیره عادت کند. حتی مربی در راه خدا هم اعتدال داشته باشد. قرآن اصل انفاق کردن را مسلم می‌گیرد، ولی در آن هم اعتدال را مورد توجه قرار می‌دهد. خداوند می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره/۱۹۵)؛ «و از مال خود در راه خدا انفاق کنید و خود را به دست خود به راه هلاکت نیندازید.» در هلاکت انداختن دو جنبه دارد: ۱. انفاق نکردن، ۲. بیش از توان انفاق کردن. در مجمع البیان از امام باقر (ع) نقل شد که مراد از «التَّهْلُكَةُ» همان طور که انفاق نکردن باعث هلاکت است، همین طور تمام آنچه دارد در راه خدا انفاق کند کار درست و خوبی نکرد و به این آیه کریمه عمل نکرده است (مجمع البیان، مجمع البیان، ۱۳۶۰ ش: ۲/۲۳۹). برای تأیید این مطلب می‌شود به این آیه رجوع کرد: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» (اسراء/۲۹)؛ «هرگز دست را بر گردن زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی.» شأن نزول آیه این بود. زنی پسر خود را نزد پیامبر (ص) فرستاد و از آن حضرت پیراهنش را به عنوان تبرک درخواست کرد. پیامبر (ص) تنها پیراهن خود را داد و چون لباس دیگری نداشت، برای نماز از خانه بیرون نیامد. این آیه نازل شد تا پیام دهد که سخاوت آن نیست که یکتا پیراهن خود را بدهی (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳ ش: ۷/۴۹).

مربی، مربی را طوری تربیت کند که نه اسراف کند و نه سخت‌گیری؛ بلکه زندگی اعتدالی را پیشه کند. چون خداوند نهی کرده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷)؛ «و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.» اسراف آن است که بیش از حد و در غیر حق و بی جا مصرف گردد، و «اقتار» آن است که کمتر از حق و مقدار لازم بوده باشد. واژه «قوام» (بر وزن عوام) در لغت به معنای عدالت و استقامت و حد وسط میان دو چیز است و «قوام» (بر وزن کتاب) به معنای چیزی است که مایه قیام و استقرار باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش: ۱۵/۱۵۳).

پنجم. جلوگیری از دین‌فروشی

قرآن متذکر کسانی می‌شود که هم دنیا را می‌شناختند و هم آخرت را، ولی در برابر مادیات و زینت‌های دنیوی تاب نمی‌آوردند و دین را برای تأمین دنیا خود فروختند. از این‌رو یکی از اهداف تربیت اقتصادی قرآنی این است که متربی را هشدار بدهد که متربی به‌خاطر به‌دست آوردن اموال و ثروت دست به دین‌فروشی نیندازد. چنان که علمای اهل کتاب کردند. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيُسْتَرُونَ بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ» (بقره/ ۱۷۴)؛ «کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می‌فروشند، آنها جز آتش چیزی نمی‌خورند.» اگرچه این آیه درباره یهود است که بشارت تورات و کتب انبیاء را بر بعثت پیغمبر اسلام و بیان صفات او کتمان نموده و گفتند آن پیغمبر موعود از بنی اسرائیل است و هنوز نیامده است، ولی مورد مخصص نیست و عمومیت آیه به حال خود باقی است (طیب، اطیب البیان، ۱۳۷۸ ش: ۳۰۳/۲). خداوند صیغه جمع «الذین» آورد، یک دو نفر نبودند؛ بلکه زیاد بودند و با مراجع به تفاسیر معلوم می‌شود که افراد عادی نبودند که دین‌فروشی کردند؛ بلکه علما بودند و به‌خاطر نداشتن تربیت اقتصادی گمراه شدند. چنانکه خداوند می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَى» (بقره/ ۱۷۵)؛ «اینان، همان‌هایی هستند که گمراهی را با هدایت، خریداری کردند.»

دین‌فروشی عالمان نقش بسیار مخرب بر جامعه می‌گذارد که تا ابد دامن‌گیر افراد جامعه می‌شود. اگر تربیت اقتصادی محقق نشود احتمال زیاد این است که علم و دین انسان را سود ندهد و انسان برای به‌دست آوردن متاع دنیوی و شکم‌چرانی و شهوترانی با لباس تزویر وارد اجتماع شود و دست به دین‌فروشی بزند. آنچنان که یهود و نصاری انجام دادند و متربی خود و جامعه را به هلاکت برساند.

سه. جهت‌دهی متربی به پرورش فرهنگ کار

تدبیر امر معاش با درک موقعیت اقتصادی خود و جامعه و تلاش برای بهبود پیوسته آن از طریق مشارکت سازنده در فعالیت‌های اقتصادی یکی از اهداف تربیت اقتصادی قرآنی است. بسیاری از نعمت‌های الهی به‌صورت طبیعی و بدون انجام تلاش و فرآوری قابل بهره‌برداری نیستند، باید با کار و فعالیت برای این امر مهیا گردند. خدا در طبیعت برای رزق انسان قوانینی وضع کرده است که انسان هر چه توان دارد تلاش کند، خدا به همان اندازه تلاش او به او رزق می‌دهد، ولی اگر تلاش نکرده خدا هم رزق نمی‌دهد. خداوند صریحاً می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يَرَى» (نجم/ ۳۹-۴۰)؛ «و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست، قانون خدا در مورد رزق هم همین است که هر چه تلاش، همان مقدار نتیجه می‌بیند.» یا در سوره جمعه می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه/ ۱۰)؛ «و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید.» خدا نفرموده است که چون نماز خواندید ما رزق شما را می‌دهیم؛ بلکه گفته است که بعد از نماز تلاش و کوشش کنید و فضل خدا را بطلبید. در سوره نساء آیه ۳۲ می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا، وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»؛ «مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی.» راغب اصفهانی



یادآور شده است که کلمه (اکتساب) در به دست آوردن فایده‌ای استعمال می‌شود که انسان خودش از آن استفاده کند، و معنای کلمه (کسب) از معنای اکتساب عمومی تر است (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ش: ۳ / ۳۶۴). صریح آیه نصیب و بهره هر مرد و زن را بیان کرد که نصیب همان است که انسان تلاش می‌کند. پس مربی به مربی یاد بدهد که برای بهره‌گیری باید تلاش و کوشش کند. در نتیجه جامعه به تلاش و کوشش کند. فقط عقیده اینکه خدا رازق است کفایت نمی‌کند. باید طبق دستور خدا تلاش و کوشش کرد.

نتیجه

هدف در تربیت، چیزی است که شایسته است مطلوب انسان قرار بگیرد. اهداف میانی، ابزاری برای رسیدن به هدفی بالاترند. اهداف میانی که خداوند برای تربیت اقتصادی بیان کرده است یا مربوط به بینش است که از جمله شناخت قوانین و مقررات اقتصادی اجتماعی (انسان به طور کلی در فعالیت‌های اقتصادی آزاد نیست، در برخی موارد نمی‌تواند فعالیت اقتصادی داشته باشد از جمله معامله غش، شراب‌نوشی و ربا ...) و اعطای بینش نسبت به رشد معنوی مربی (خداوند در برخی آیات انفاق را با ایمان متصل کرد و انفاق با گناه، ریاکاری و اذیت را مورد مذمت قرار داده است. اگر هدف فقط انفاق بود آن هدف با سیر کردن گرسنه حاصل می‌شد، ولی خداوند رشد معنوی می‌خواهد) و جهت‌دهی مربی به رفاه جامعه (طبق آیات قرآنی در برخی آیات خداوند زینت‌های دنیا را بیان کرده و در برخی آیات کسانی که زینت دنیا را بر خود حرام کردند، مذمت کرده است و با توجه به آن آیات نتیجه گرفته می‌شود که خود رفاه مادی مذموم نیست. آنچه مذموم است دلستگی به این دنیا و اموال و دوری از خداست) و شناسایی مربی نسبت به حقوق دیگران یا اهداف مربوط به گرایش است که از جمله ایجاد انگیزه خدمت‌رسانی به دیگران (در برخی آیات خود انفاق هدف بیان شد مثل آیه «لَنْ تَأْلَوْا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا» و آیات دیگر که چیزهای پست را انفاق نکنید، چون با چیزهای پست خدمت به دیگران نمی‌شود) و اهتمام مربی به آبادانی دنیا (در سوره هود خداوند گفت که خداوند آبادانی دنیا را از شما می‌خواهد) و طمع نداشتن به اموال دیگران، جهت‌دهی به آموزش‌های اقتصادی (در جایی که خداوند نعمت‌های اقتصادی به انبیا داده در آن آیات ذکر کرد که علم آن را خدا به انبیا داده است، مثل علم داشتن حضرت یوسف (ع) به آینده و علم نجات دادن از بحران اقتصادی، علم حضرت داود برای نرم کردن آهن و ... از این آیات استفاده می‌شود که مربی نسبت به مهارت‌های اقتصادی ذوق پیدا کند و یاد بگیرد). یا مربوط به رفتار است که از جمله جهت‌دهی مربی به عدالت اجتماعی (از آیات استفاده می‌شود که خداوند در جامعه دو نوع عدالت می‌خواهد. نخست اینکه حق هرکس به صاحب حق برسد، و دوم اینکه جامعه‌ای که از لحاظ اقتصادی ضعیف است رشد کند و فاصله فقیر و غنی کمتر شود) و اصلاح جامعه (جامعه از چند جهت اصلاح شود (از جمله دوری از گناه، رعایت حرام و حلال خدا و رسیدگی به ضعفا و مستحقان، اعتدال در زندگی و جلوگیری از دین فروشی و ...) و پرورش فرهنگ کار (هدف تربیت اقتصادی این است که جامعه به کار و تلاش بیفتد و یاد بگیرد که بهره و نصیب هرکس در این دنیا وابسته به تلاش و کوشش اوست.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۴۰۴ ه.ق.
۳. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، بیروت: ۱۴۱۴ ه.ق.
۴. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی ۱، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، قم: ۱۳۹۱ ش.
۵. ایمانی، محسن، «تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، پیوند، شماره ۳۹۰ و ۳۹۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱.
۶. بابایی، احمدعلی، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۲ ش.
۷. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، تهران: ۱۳۸۹ ش.
۸. بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۸۷ ش.
۹. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، دار احیاء، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، دارالعلم للملایین، بیروت: ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۱. حاجی، جعفرعباس، مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه: س.م. کاظم رجایی و م. کرمی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۰ ش.
۱۲. خانی، رضا؛ ریاضی، حشمت الله، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباد، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران: ۱۳۷۲ ش.
۱۳. داورپناه، ابوالفضل، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، انتشارات صدر، تهران: ۱۳۷۵ ش.
۱۴. رجائی، محمدکاظم، آیات اقتصادی قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: ۱۳۸۶ ش.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۱۶. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت/ قاهره: چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، دفتر انتشارات



- اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۴ ش.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران: ۱۳۶۰ ش.
۱۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، المكتبة المرتضوية، تهران: ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۰. طیب، سید عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامیة، تهران: ۱۳۷۸ ش.
۲۱. میکانلو، غلامحسین؛ سلطان القرائی، خلیل، اهداف و روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، بصیرت و تربیت اسلامی، دوازدهم، شماره ۳۵۰، زمستان ۱۳۹۴.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم: ۱۴۱۰ ه.ق.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران: ۱۳۸۳ ش.
۲۴. گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، موسسه فرهنگی مدرسه برهان، تهران: ۱۳۹۱.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۲۶. میرزا خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، انتشارات اسلامیة، تهران: ۱۳۹۰ ق.
۲۷. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، انتشارات اسلامیة، تهران: ۱۳۹۸ ق.

References

۱. The Holy Quran ,Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. Ibn Manzoor, Abu al-Fadl, Jamal al-Din, Mohammad bin Mukarram, Lisanul al-Arab, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution - Dar Sader, Beirut - Lebanon, ۱۴۱۴ A.H.
۳. Ahmad bin Faris Ibn Zakaria, Mu'jam Maqais al-Lughah, Abu al-Hussein, Publications of the Office of Islamic Preaching of the Seminary of Qom, ۱۴۰۴ A.H.
۴. A'rafi, Alireza, Educational Jurisprudence ۱, Publications of the Cultural and Artistic Institute of Illumination and Mysticism, Qom, ۲۰۱۲.
۵. Imani, Mohsen, "Economic Education in Line with Realizing National Production and Supporting Iranian Work and Capital". Link, April and May ۲۰۱۲, Numbers ۳۹۰ and ۳۹۱, pp. ۱۵-۱۶.
۶. Babaei, Ahmad Ali, Selected from Nemouneh Interpretation, Dar al-Kutub al-Islamiyyah Tehran, ۲۰۰۳.
۷. Baqiri, Dr. Khosrow, A New Glimpse at Islamic Education, Madrasa Burhan Cultural Institute, Tehran, ۲۰۱۰.
۸. Beheshti, Mohammad, Principles of Education from the Perspective of the Quran, Tehran, Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought, ۲۰۰۸.
۹. Thalabi Neyshabouri Abu Ishaq Ahmad bin Ibrahim, Al-Kashf wa al-Bayyan a Tafsir Al-Quran, Dar Ihya, First Edition, ۱۴۲۲ A.H.
۱۰. Jaohari, Ismail bin Hammad, Al-Sihah, Tag al-Lunghah wa al-Sihah al-Arabiyyah, Dar al-Elm Lil Malayin, Beirut, Lebanon, ۱۴۱۰ A.H..
۱۱. Haji, Ja'far Abbas, Islamic School of Economics, Translated by S.M. Kazim Rajaei and M. Karami, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications and Hawzah and University Research Institute, Qom, ۲۰۱۱.
۱۲. Khani Reza / Heshmatollah Riyazi, Translation of the Expression of Happiness in the Positions of Worship, Payam e Noor University Press, Tehran, ۱۹۹۳.
۱۳. Davar Panah, Abolfazl, Anwar al-Irfan in Tafsir al-Quran, Sadr Publications, Tehran,



- ۱۹۹۶.
۱۴. Rajaei, Mohammad Kazim, Economic Verses of the Quran, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, Qom, ۲۰۰۷.
 ۱۵. Suyuuti, Jalal al-Din, Al-Durr Al-Manthur in Tafsir al-Ma'thur, Library of Ayatollah Marashi Najafi, ۱۴۰۴ A.H.
 ۱۶. Shazli, Sayyid ibn Qutb bin Ibrahim, In the Shadow of the Quran, Dar al-Shorouq (Beirut-Cairo), ۱۷th Edition, ۱۴۱۲ A.H.
 ۱۷. Shirazi Naser Makarem, Tafsir Nemouneh (The Ideal Exegesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran, ۱۹۹۵.
 ۱۸. Tabarsi Fadl Ibn Hassan, Translators, Translation of Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Farahani Publications, Tehran, ۱۹۸۱.
 ۱۹. Tureihi, Fakhruddin, Mama' al-Bahrain, Al-Muktabah al-Murtazawiyah, Tehran, ۱۴۱۶ A.H.
 ۲۰. Tayyib Sayyid Abd al-Hussein, Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Islam Publications, ۱۹۹۹.
 ۲۱. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ayn, Hijrat Publishing, Qom, ۱۴۱۰ A.H.
 ۲۲. Qara'ati, Mohsen, Tafsir Noor, Cultural Center for Lessons from the Quran, Tehran, ۲۰۰۴.
 ۲۳. A Group of Writers, Philosophy of Education, Madrasa Burhan Cultural Institute, Tehran, ۲۰۱۲.
 ۲۴. Mousavi Hamadani, Seyyed Mohammad Baqir, Translation of Tafsir al-Mizan, Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom, ۱۹۹۵.
 ۲۵. Mirza Khosravani, Ali Raz, Tafsir Khosravi, Islamic Publications, Tehran, ۱۳۹۰ A.H.
 ۲۶. Najafi Khomeini, Mohammad Javad, Tafsir Asan (Exegesis Made Easy): Islamic Publications, Tehran, ۱۳۹۸ A.H.
 ۲۷. Ghulam Hossein Mikaelo and Khalil Sultan Al-Qaraei, Goals and Methods of Education from the Perspective of Islam, Insight and Islamic Education, ۱۲ Year, No. ۳۵۰, Winter ۲۰۱۵.